




Examining the Ramifications of the Expanding Domain of Public Law in Iran's Legal Framework

Hassan Hamzeloee * | Ph.D Student, Public Law, Qom Islamic Azad University, Qom, Iran

Maghsood Ranjabar  | Assistnat Professor, Public Law, Qom Islamic Azad University, Qom, Iran

Mohammad Taghi Dashti  | Assistnat Professor, Public Law, Imam Bagher University, Tehran, Iran

Abstract

By recognizing the inherent duality of private law and public law, each domain has been allocated its distinct territory. Despite the relative and interconnected nature of these realms, the application of public law within its designated territory is essential due to its specific role, functions, and methodologies. Throughout history, fundamental rights (public laws) have governed the relationship between the government and its citizens, while private rights (civil laws) have governed the interactions between individuals. This demarcation of territories is not exclusive to Iran; numerous countries worldwide have embraced this division, leading to significant substantive and procedural implications.

Notably, in recent years, Iran has witnessed a notable expansion of the public law domain within its legal system, which has raised concerns about its extent. This expansion can be attributed to several underlying reasons. One primary factor is the inadequacy and limitations of existing private law regulations in resolving societal issues. Consequently, legislators are compelled to address private law matters by formulating solutions based on public law principles, inadvertently diverting the core problem into the realm of public law. This practice, however, fails to address the root causes and restricts the available solutions to those provided by public law. As a result, the practical scope of public law expands beyond its intended boundaries.

* Corresponding Author: h_hamzeloee@yahoo.com

How to Cite: Hamzeloee, Hassan et al., (2023), "Examining the Ramifications of the Expanding Domain of Public Law in Iran's Legal Framework", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(78), 119-156. doi: 10.22054/QJPL.2023.58972.2595

The excessive and multifaceted growth of public law can have far-reaching detrimental effects.

Thus, the central question emerges: What potential harm can the development of public law inflict on citizens' rights, and what are the driving forces behind this expansion in Iran? This research posits that the government's inclination towards exercising authority, excessive interventions in social and economic matters, undervaluing of liberal principles, a tendency to resort to public law in ambiguous cases, and the adaptable nature of public law methods are among the contributing factors to the widening scope of public law. Moreover, the duality of influences on Iran's public law system—Western legal traditions and Shia jurisprudence—has led to its distinct development. Some facets of Iran's public law draw inspiration from Western legal systems, while others find their origins in Shia legal doctrines.

It is worth noting that Iran's legal system is bound by Article 4 of the Constitution, which mandates the utilization of Sharia rulings and adherence to Islamic standards in all laws and regulations. This requirement, however, diverges from Western legal systems where such a mandate is not observed.

The realm of public law has undergone extensive development, permeating even the most intimate legal issues. Notable examples of this expansion include the broadening of public law in labor law, characterized by significant government interventions in the field. Similarly, the realm of public law has made significant strides in business law, and its influence has extended to matters concerning property rights. The objective of this research is to contribute to the advancement of public law in Iran by conducting a comprehensive analysis of its benefits and drawbacks through a systematic examination of its expansion.


To fulfill this objective, we delve into the causes and factors behind the development of the public law realm, providing noteworthy examples that illustrate its expansion. The research findings establish the undeniable separation of the realms of private and public rights, despite ongoing debates regarding their differentiation. In practice, even legal systems that advocate for the unity of public and private law demonstrate a distinct educational system for public law. By acknowledging the distinction between public law and private law, while acknowledging the inherent difficulty in delineating these realms in certain cases, each legal field can be allocated its designated sphere.

In recent years, there has been a notable surge in the expansion and growth of the public law realm. Numerous issues that were traditionally and conventionally within the purview of private law have now either entirely or to a significant extent fallen under the domain of public law.


Keywords: Public Rights, Territory, Private Rights, Authority.

آسیب‌شناسی توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران


دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد قم، قم، ایران

حسن حمزه‌لوئی * 

استادیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

مقصود رنجبر 

استادیار حقوق عمومی، دانشگاه امام باقر (ع)، تهران، ایران

محمدتقی دشتی 

چکیده

با پذیرش دوگانگی حقوق خصوصی و حقوق عمومی، هر یک از این دو باید قلمرو جداگانه‌ای برای خود داشته باشند. علی‌رغم مطلق نبودن این قلمرو و نسبی بودن آن، حقوق عمومی به دلیل نقش، کارکردها و فنون مختص به خودی که دارد، باید در قلمرو خاص خودش اعمال شود. عوامل متعددی در توسعه قلمرو حقوق عمومی ایران نقش داشته‌اند. تمایل به اعمال اقتدار از سوی دولت، برتری فنون حقوقی حقوق عمومی، مداخلات بیش از حد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی، کم بها شدن مسلک لیبرال، گرایش به حقوق عمومی در موارد مبهم دوگانگی منابع حقوق عمومی از علل توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران هستند. توسعه حقوق عمومی در اکثر موارد ایرادی ندارد و فقط در مواردی با اشکالاتی روبروست که در این موارد، آسیب‌هایی را هم برای حقوق خصوصی و هم برای حقوق عمومی به همراه دارد. ناتوان ساختن قواعد قدیمی و با سابقه حقوق خصوصی و ممانعت از تحول و تکامل این قواعد و عدم توانایی حقوق عمومی در حل این مسائل نوین، از مهم‌ترین آسیب‌ها برای حقوق عمومی هستند.

واژگان کلیدی: حقوق عمومی، قلمرو، توسعه، حقوق خصوصی، اقتدار.

مقدمه

همیشه اولین تقسیمی که از حقوق به ذهن متبادر می‌شود، تقسیم آن به حقوق خصوصی و حقوقی عمومی^۱ است. ایده حقوق عمومی در پاسخ به فنودالیزم بعنوان سیستمی که در آن قدرت‌های دولتی و خصوصی بدون تمایز باقی مانده‌اند، اختراع شد.^۲ از قدیم‌الایام حقوق عمومی به مجموعه‌ای از قواعد حقوقی گفته می‌شده که در یک کشور، حاکم بر روابط بین دولت و مردم و دولت با کارگزارانش بوده است و در مقابل آن حقوق خصوصی، مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که حاکم بر پیوندهای اشخاص با یکدیگر در جامعه می‌باشد. اینکه آیا این حد از تفاوت بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی ذاتی است و یا اینکه بیشتر جنبه فنی دارد و ماهیت این دو یکی هست یا خیر، از مباحث اختلافی می‌باشد که منجر به دو قرائت مختلف در این خصوص شده است. برخی معتقد به یگانگی حقوق عمومی و حقوق خصوصی هستند و در مقابل، برخی دیگر معتقد به دوگانگی حقوق عمومی و حقوق خصوصی هستند و حتی تفکراتی متفاوت از یگانگی و دوگانگی نیز وجود دارد. بعنوان نمونه مدل نئولیبرال تمایل دارد تمایز بین عمومی و خصوصی را دچار خدشه و ابهام کند و تمایل دارد تا هر دو قلمرو را با روحیه مدیریت‌گرایی و «دولت‌داری»^۳ مورد تحلیل قرار دهد و همه چیز را با استانداردهای کمی تولید و اثربخشی اندازه‌گیری کند.^۴

بسیاری از محققان برجسته^۵، ایده حقوق عمومی را بعنوان یک قلمرو حقوقی متمایز از حقوق خصوصی به فراموشی سپرده‌اند، با این استدلال که تحول ساختاری حوزه عمومی اجازه چنین تفکر دودویی^۶ را نمی‌دهد.^۱ با فرض مبنایی دوگانگی حقوق عمومی و حقوق

1. Public-private Law Divide.

2. Van Caenegem, *A Historical Introduction to Western Constitutional Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 1995) P. 26.

3. Governmentality.

4. W. Brown, *Undoing the Demos, Neoliberalism's Stealth Revolution* (New York: Zone Books, 2015) p. 115.

۵. محققانی از قبیل دورکیم، وبر، گوریچ، رنار، هوریو و کنت.

6. Binary Thinking.

خصوصی، تبیین قلمرو برای نظام حقوق عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. منتسکیو نیز در کتاب روح قوانین به همین ترتیب حقوق عمومی و حقوق خصوصی را از هم جدا ساخته است. به نظر او حقوق اساسی (حقوق عمومی) قوانین ناظر بر روابط طبقه حاکم با مردم است و حقوق خصوصی مدنی (حقوق خصوصی) قوانین حاکم بر رابطه‌هایی است که مردم بین خود دارند. در فرانسه، حقوق عمومی و خصوصی بطور سنتی بعنوان «دو جهان از هم جدا شده» تصور می‌شوند و قادر به زندگی در صلح کامل نیستند، «نه دوست و نه دشمن کافی»^۲ هستند. حقوق عمومی فرانسه مبتنی بر این ایده است که دولت بعنوان نماینده ملت از حقوق و وظایف ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که محدوده آنها را فقط می‌توان با قواعد و اصولی تعیین کرد که متفاوت از قوانینی است که روابط حقوقی شهروندان را بین خودشان تنظیم می‌کند.^۴ البته که ایده سنتی فرانسوی که دولت فراتر از قانون است،^۵ در بسیاری از نظام‌های حقوقی هیچ جایگاهی ندارد. در نظام حقوق انگلستان، دایسی با افتخار می‌گوید: «هر مقام، از نخست وزیر گرفته تا یک پلیس یا یک مامور مالیات، برای هر عملی که بدون توجیه قانونی انجام دهد، همان مسئولیت را دارد که هر شهروند دیگری دارد.» در کشوری مانند هلند، قلمرو حقوق عمومی بعنوان یک قلمرو استثنائی در قبال قلمرو حقوق خصوصی شناخته می‌شود.^۶

امروزه تردیدی وجود ندارد که نه تنها این تفکیک قلمرو وجود دارد بلکه این

1. C. Mac Amhlaigh, C. Michelin & N. Walker (eds.), *After Public Law* (Oxford: Oxford University Press, 2013) p. 54.

2. Neither Enough Friend Nor Foe.

3. De. Tocqueville, *Correspondance Anglaise*, Oeuvres Complètes (Paris: Gallimard, 1991) p. 66.

4. J Allison, *A Continental Distinction in the Common Law, A Historical and Comparative Perspective on English Public Law* (Oxford: Oxford University Press, 1994) p. 45.

5. M. van Creveld, *The Rise and Decline of the State* (Cambridge: Cambridge University Press, 1999) p. 39.

5. Mohammad Jalali & Asdalah Yavari, *An Introduction to Fundamental Rights*, Second Edition (Tehran: Mizan, 2022) p. 65.

6. L. van den Berge, *Bestuursrecht tussen autonomie en verhouding* (The Hague: Boom Juridisch, 2016) p. 81.

تفکیک واجد آثار ماهوی و شکلی متعددی است. آنچه که بویژه در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم، توسعه و گسترش بیش از حد قلمرو حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران است و چنانچه توجه نماییم دلایل متعددی برای این توسعه قلمرو وجود دارد. ضعف و ناتوانی قواعد موجود حقوق خصوصی برای حل مسائل و مشکلات خود بجای آنکه مقنن را بر آن دارد تا با تعمق و تفکر بیشتر و بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و فقهی عمیق‌تر برای مسائل و مشکلات حوزه حقوق خصوصی، راهکارهایی از جنس حقوق خصوصی و مبتنی بر اصول آن ارائه دهد، صورت مسأله را پاک کرده و با وارد کردن موضوع به قلمرو حقوق عمومی، ضمن ارائه راهکارهای حقوق عمومی برای آن مسأله که این راهکارها از امتیازات حقوق عمومی بهره می‌گیرند، در عمل قلمرو حقوق عمومی را توسعه داده است و در این سال‌ها، قلمرو حقوق عمومی از این طریق به شدت گسترش یافته است. توسعه بیش از حد و ناهمگون قلمرو حقوق عمومی، می‌تواند آسیب‌های متعددی را به همراه داشته باشد. در نگاه اولیه برخی از این آسیب‌ها مشخص و شناخته شده هستند لیکن بررسی دقیق علل، مبانی، شیوه‌ها، مصادیق و آثار توسعه قلمرو حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران، نیاز به بررسی و مطالعه بیشتری دارد. هدف این پژوهش کمک به توسعه حقوق عمومی ایران از طریق آسیب‌شناسی توسعه قلمرو حقوق عمومی است و پرسش اصلی این است که توسعه قلمرو حقوق عمومی چه آسیب‌هایی برای حقوق عمومی می‌تواند به همراه داشته باشد؟

در پژوهش‌های صورت گرفته قبلی بطور موردی به این موضوع اشاراتی شده است. لیکن آسیب‌شناسی توسعه قلمرو حقوق عمومی، موضوعی است که بطور مستقل به آن پرداخته نشده است. هدف مقاله شناخت مزایا و معایب توسعه قلمرو حقوق عمومی است و در این بین سؤال اصلی این است که علل توسعه حقوق عمومی در ایران و مصادیق آن چه هستند؟ بدین منظور در قسمت اول مقاله مفاهیم اصلی مورد بحث قرار گرفته، در قسمت دوم به تحلیل علل و عوامل توسعه قلمرو حقوق عمومی و در نهایت در قسمت سوم ضمن بیان مصادیق مهم توسعه قلمرو حقوق عمومی، به واکاوی آنها پرداخته خواهد شد و در پایان نیز نتیجه‌گیری بحث آورده خواهد شد.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم حقوق عمومی

حقوق عمومی، حقوق گونه‌ای از روابط اجتماعی است که میان اشخاص صاحب قدرت (فرمانروایان) و اشخاصی که از قدرت اطاعت می‌کنند (فرمانبران) برقرار می‌شود.^۱ با ظهور دولت اجتماعی؛ «سیاست عدم مداخله دولت در امور اقتصادی»^۲ که بر مبنای نظام لیبرال بود، خاتمه یافته تلقی شد.^۳

«حقوق عمومی اگر به مثابه تنظیم امر عمومی بر اساس قاعده حقوقی درک شود، بیش از آنکه ناشی از مدرنیته باشد، خود از عوامل مدرن شدن اروپا بوده است، مدرن شدنی که خود نیز به تکامل بیشتر حقوق عمومی و رسیدن آن به بلوغ امروزی‌اش یاری رسانده است؛ عبارت دیگر شاید بدون این ریشه‌ها، اروپا نمی‌توانست وارد دوران مدرنش شود.»^۴ و به این اعتبار حقوق عمومی دارای بن‌مایه‌هایی در حقوق روم است.

۲-۱. تمایز قلمرو حقوق عمومی و حقوق خصوصی

تمایز بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی نتیجه موردی یک سلسله واقعیات است که اجتماع آنها به این طبقه‌بندی سنتی استحکام بخشیده است.^۵ مطالعات اولیه حقوقی برای زمان‌های طولانی بر اساس مواد قانونی بود و نه بر اساس رشته‌های حقوقی. بتدریج حقوق عمومی و حقوق خصوصی هر کدام دارای دکتترین مخصوص به خود شدند.^۶ در حال حاضر فعالیت‌های عمومی و خصوصی آنچنان در یکدیگر تداخل کرده‌اند

1. Abolfazl Qazi Shariat Panahi, *Speeches in Public Law*, First Edition (Tehran: Nasser Dadgstar, 1996) p. 12.

2. Laissez-faire.

3. Lukas van den Berge, "Rethinking the Public-Private Law Divide in the Age of Governmentality and Network Governance, A Comparative Analysis of French, English and Dutch Law", *European Journal of Comparative Law and Governance* 5, (2018), p. 118.

4. Parham Mehraram & Gouders Iftikhar Jahormi, "Roman Foundations of Public Law", *Journal of Public Law Research*, No. 62, (2018), p. 77.

5. Ghazy Shariat Panahi, *Ibid.*, p.14.

6. *Ibid.*, p. 16.

که صحبت از تمایز بسیار سخت است.^۱ اصطلاح «حقوق نیمه عمومی» با آنکه به هیچ وجه بُرد حقوقی معینی ندارد در این باب از حیث معنایی، گرانسنگ است. «بنا به شرایط سیاسی و اجتماعی اشخاص حقوقی حقوق عمومی و خصوصی قابلیت تبدیل شدن به یکدیگر را دارند.»^۲ لیکن چنین تغییراتی به معنای تغییر قلمرو حقوق عمومی و توسعه یا کاهش آن تلقی نمی‌گردد. همانگونه که خصوصی‌سازی نیز به معنای کاهش قلمرو حقوق عمومی نمی‌باشد و معنایش کوچک شدن دولت است. این امکان تبدیل، کار تمایز را سخت می‌کند.

همچنین تغییرات قلمرو حقوق عمومی بنا به نیاز و ضرورت موردی هم به سختی تمایز می‌افزاید. در نظام جمهوری اسلامی «حکومت خود از احکام اولیه است و بر همه احکام فرعیه مقدم است.»^۳ این جمله خود مقدمه‌ای برای توسعه قلمرو حقوق عمومی در هر زمان و مکان و بنا بر هر ضرورتی است و می‌توان بر مبنای آن احکام فرعیه در حوزه حقوق خصوصی را وارد قلمرو حقوق عمومی نمود.^۴

نفوذ و مداخلات حقوق عمومی و حقوق خصوصی در یکدیگر غیرقابل انکار است.^۵ همپوشانی قلمرو حقوق عمومی و حقوق خصوصی باعث شده است تا «مردم تحقق حقوق عمومی را در تضاد با دستیابی و حفظ حقوق خصوصی بدانند»^۶ و ادعا نسبت به خصوصی بودن یا عمومی بودن قلمرو بین مردم و حاکمان همیشه در تضاد بوده و هست.

1. Ibid., p. 17.

2. Siavash Heydari Kochi & Abbas Babaei Khanesar, "Study on the Separation of Legal Entities under Public and Private Law and Its Impact on Criminal Regulations", *Journal of Political Science Studies*, Vol. 4, No. 1, (2017), p. 133.

3. Seyed Ruhollah Khomeini, *Imam's Book*, Volume 20 (Tehran: Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works, 2013) p. 420.

4. Mehri Totunchian & Ahmadreza Khazaei, "Economic Rights of Citizenship and Its Conflict with Public Interests with an Emphasis on the Opinion of Imam Khomeini (RA)", *Journal of Medical Law*, No. 46, (2017), p. 173.

5. Ali Akbar Gurji Azandariani, "Public Rights and Private Rights: Duality or Unity?", *Journal of Legal Research*, No. 47, (2009), p. 173.

6. Reza Khairuddin & Ebrahim Dalai Milan, "Iran's Urban Planning Law System in the Light of Islamic Laws and Regulations (Explanation of the Interaction Pattern of Public and Private Rights)", *Urban and Rural Management Journal*, No. 43, (2015), p. 31.

در عصر نئولیبرال، نیروهای ناشی از جهانی شدن^۱، خصوصی‌سازی^۲ و بازارسازی^۳ باعث شده است تا دولت‌های مدرن چاره‌ای جز پیروی از سیاست‌های اقتصادی خصوصی‌سازی، کاهش هزینه‌های عمومی و مارکتینگ (کسب منافع اقتصادی) برای خود دولت نداشته باشند^۴ و این می‌تواند به مفهوم کاهش قلمرو حقوق عمومی باشد.

تقسیم‌بندی سنتی بین حقوق خصوصی و حقوق عمومی دیگر به مانند گذشته خالص و ساده نیست. زمان آن فرا رسیده است که ما به حقوق از طرق مختلف، گسترده‌تر و جامع‌تری نگاه کنیم.^۵ حقوق عمومی و حقوق خصوصی در هدف، ضمانت اجراها و طرفین با یکدیگر تفاوت دارند.^۶ حتی کسانی که به استقلال نظریه حقوق خصوصی اعتقاد دارند، از این واقعیت که حقوق خصوصی تحت اهداف اجتماعی قرار گرفته است، ابراز تاسف می‌کنند.^۷ زیرا گرایش حقوق خصوصی به سمت اهداف عمومی، استقلال حقوق خصوصی را به مخاطره می‌اندازد.

دشواری تمایز، خود از مهم‌ترین علل توسعه قلمرو حقوق عمومی در سال‌های اخیر بوده است. یکسانی اصول حقوق عمومی بین کشورهای مختلف به این تمایز کمک می‌کند. از آنجا که «اصول حقوق عمومی علی القاعده در تمامی کشورها یکسان و مشابه می‌باشند»^۸ این مشابهت می‌تواند به تمایز قلمرو حقوق عمومی از حقوق خصوصی کمک شایانی نماید.

1. Globalization.

2. Privatization.

3. Marketization.

4. C. Crouch, K. Eder & D. Tambini (eds.), *Citizenship, Markets, and the State* (Oxford: Oxford University Press, 2001) P. 16.

5. David A. Frenkel, *Selected Issues in Public Private Law* (Athen: Athens Institute for Education and Research, 2015) p. 10.

6. Allen M. Linden, "Public Law and Private Law: The Frontier from the Perspective of a Tort Lawyer", *Les Cahiers de droit*, 17 (4), (1976), 831-873. <https://doi.org/10.7202/042139> ar.

7. Alon Harel, "Introduction to Public and Private Law", available at Oup Uncorrected Proof- First Proofs, Mon Jul 14, (2014), p. 1065.

8. Parviz Novin, "Definition and Scope of Public Law", *Judicial Magazine*, No. 60, (2010), p. 14.

۲. علل توسعه قلمرو حقوق عمومی

از زمانی که حقوق عمومی به مفهوم مدرن آن به وجود آمده است، قلمرو آن در مقایسه با حقوق خصوصی همیشه در نوسان بوده است. در دوره‌هایی که قلمرو حقوق عمومی گسترش یافته است و توسعه یافته است، علل متعددی در آن نقش داشته‌اند.

۲-۱. اقتدار عامل مهم توسعه قلمرو حقوق عمومی

اصل اقتدار عنصری اصلی است که تشخیص و استقلال حقوق عمومی را پایه‌گذاری می‌کند. در رابطه دولت و عوامل آن، اقتدار مولد سلسله‌مراتب است. سلسله‌مراتب هنگامی محقق می‌شود که مقام بالادست اختیار صدور دستور داشته و بتواند اجرای آن را درخواست کند.^۱ این چنین اختیاری باید در همه موارد و همه جا قابلیت اجرا داشته باشد. تنها مواردی را که می‌توان مستثنی از این اصل دانست: یکی مورد قضات بازنشسته و مورد دیگر، استادان آموزش عالی است. علت این امر نیز لزوم استقلال هر دو مقام است. یک قانون کلی می‌گوید آنجا که اختیار وجود دارد، همانجا نیز مسئولیت هست. «پوشش»^۲ در حقوق عمومی، سنگ تعادل لازم در امر سلسله‌مراتب است. قبول مسئولیت مافوق در خصوص کارکنان تحت پوشش، جبران‌کننده اصل سلسله‌مراتب است. در روابط بین دولت و افراد خصوصی؛ اقتدار، امتیازاتی را سبب می‌شود که در حقوق خصوصی ناشناخته است. خصلت اقتدارگرایی برای دولت، عامل بسیار مهمی در راستای توسعه قلمرو حقوق عمومی است. حقوق خصوصی، ساحت توافق است و «متخصصان حقوق عمومی در عصر مدرن تقریباً بطور کامل فلسفه حقوق را زیر سلطه خود داشته‌اند و از طریق فراهم آوردن چارچوب مفهومی برای کل تفکر قضایی و تحت نفوذ داشتن تصمیمات قضایی، عمیقاً بر حقوق خصوصی نیز تأثیر گذاشته‌اند».^۳ توسعه حقوق عمومی حتی تا این حد نیز گسترش

1. Qazi Shariat Panahi, Ibid., p. 19.

۲. منظور قبول مسئولیت مافوق در خصوص کارکنان تحت پوشش است.

3. Von Hayek, Friedrich, *Law, Legislation and Liberty: The Political orders of a Free People* (Chicago: Chicago University Press, 1985) p. 16.

یافته است که کل فلسفه حقوق را از آن خود کرده است و امروزه فلسفه حقوق را بیشتر در قلمرو حقوق عمومی به بحث می‌گذارند. در اروپا علم حقوق و رویه قضایی بطور جامع و کامل در اختیار حقوقدانان عمومی است. این امر در درجه اول نشان دهنده سلطه حقوق عمومی است. از طرف دیگر پوزیتیویسم حقوقی که در قلمرو حقوق خصوصی سخن بی‌معنایی است،^۱ عامل توسعه حقوق عمومی است. پارادایم حاکم بر حقوق عمومی نوین، دولت قانونمدار است و این پارادایم به خودی خود به معنای توسعه قلمرو حقوق عمومی خواهد بود.

۲-۲. محدودیت‌های وارد بر اصل قانونی بودن

عدول از اصل قانونی بودن به عاملی برای توسعه قلمرو حقوق عمومی تبدیل شده است. این اصل مقرر می‌دارد که سازمان اداری باید به قواعد قانونی احترام گذارد. اصل قانونی بودن در مواردی با محدودیت‌هایی روبرو می‌گردد و از جمله هنگامی محدود است که سازمان اداری حتی به گونه جزئی از احترام به قاعده قانونی معاف شده باشد. چنین وضعی اساساً استثنائی است. با این وجود باید بپذیریم که این گونه استثنائات بطور وحشتناکی افزایش یافته‌اند. مصوبه «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» با عنوان «بسته حمایتی از مستأجران» نمونه‌ای از این موارد است.

در برخی شرایط مانند جنگ، اغتشاش‌های داخلی و حتی نمونه اخیر آن یعنی بیماری کرونا، دستگاه اداری تابع نوعی «قانونیت استثنائی» قرار گرفته و فلان عملی که در حالت عادی غیرقانونی است، برای سازمان اداری جنبه قانونی پیدا می‌کند. این امتیاز باعث می‌شود که گرایش برای سوق دادن موضوعات از حقوق خصوصی به حقوق عمومی افزایش یابد. بعنوان نمونه عقد اجاره که یک عقد حقوق خصوصی است، با دخالت دولت گسترده دولت تنظیم می‌گردد.

1. Abdullah Khodabakhshi, *The Fundamental Distinction between Civil Rights and Criminal Laws* (Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research Publications, 2009) p. 29.

۲-۳. برتری فنون حقوقی عمومی

حقوق عمومی دارای فنونی مخصوص به خود است که از فنون حقوق خصوصی متفاوت است. ولی این ویژگی مطلق نیست بلکه تعدادی از تکنیک‌های حقوق عمومی، گونه‌ای فنون مشابه ولی تغییر شکل یافته موجود در حقوق خصوصی را در خود پذیرفته است. در مواردی که فنون حقوق خصوصی کارآیی کمتری دارند، جهت بهره بردن از فنون حقوق عمومی، گرایش به توسعه قلمرو حقوق عمومی ظاهر می‌شود و بسیاری از شعبات حقوق خصوصی تمایل به استفاده از فنون اختصاصی حقوق عمومی را پیدا می‌کنند و تنها راه چاره آن این است که قلمرو حقوق عمومی را گسترش داد و ایرادی نیز بر این توسعه وارد نیست.

۲-۴. مداخلات بیش از حد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی

دخالت دولت در قلمرو اقتصادی و اجتماعی جایگزین عدم حضور کلی دولت گردیده است. این دخالت نه از باب اعمال اقتدار دولت بلکه بر مبنای ارائه بهتر خدمات عمومی است. در کنار این آزادی‌های عمومی سنتی، مفهوم حقوق اقتصادی و اجتماعی چهره خود را نمایان ساخت. در فرانسه قانون اساسی سال ۱۹۴۶ (که بوسیله قانون اساسی ۱۹۵۸^۱ مورد تایید واقع شد) پاره‌ای از این گونه حقوق (نظیر حق کار و حق آموزش و پرورش) را به رسمیت شناخت. این حقوق منطبق با اندیشه‌های رایج در افکار عمومی بود که بر اساس آن‌ها هر فرد انسانی حق دارد از امکانات مالی و مادی کافی بهره‌مند باشد تا شکوفایی جسمی و معنوی وی در قالب تضمین یافته و مطمئنی تأمین شود. در عمل بکارگیری اینگونه حقوق اجتماعی اجباراً مستلزم دخالت دولت است.

اندیشه‌های دمکراتیک که خواهان مشارکت فزاینده فرد در مدیریت امور عمومی است، به گونه وسیعی جامعه امروزی را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش سطح زندگی، تعمیم آموزش و پرورش، علاقه رو به افزایش شهروندان را به سرنوشت جامعه توجیه

۱. مقصود قانون اساسی جمهوری پنجم که بنیادگذار آن ژنرال دوگل بود و هنوز هم در کشور فرانسه لازم‌الاجراست.

می‌کند. بشر امروزی با «امر عمومی»^۱ بیگانه نیست و با حوزه‌های امر عمومی آشناست. یکی از این حوزه‌ها، حوزه حقوق عمومی است.

اجتماعی شدن حقوق در سطح هدف ایجاب می‌کند که دولت‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی دخالت بیشتری نموده و این امر منجر به توسعه قلمرو حقوق عمومی می‌گردد.

۲-۵. کم بها شدن مسلک لیبرال

نقش رو به افزایش دولت، نشر اندیشه‌های اجتماعی و حتی سوسیالیستی، باورهای جمعی مردم را در باب جامعه امروزی دگرگون کرده است. عناصر ایدئولوژیک جدید پدیدار شدند و نفوذ لیبرالیسم را که اساس حقوق عمومی کلاسیک بشمار می‌آمد کم‌رنگ کرد. دخالت دولت در قلمرو اقتصادی و اجتماعی جایگزین عدم حضور کلی وی گردید. بتدریج افکار عمومی و نخبگان رهبری‌کننده جامعه به خصلت اجتناب‌ناپذیر و لازم عملکرد دولت پی بردند این تنها دولت است که توان تضمین بهترین نوع عدالت اجتماعی با مدیریت ثمربخش اقتصادی را داراست. دولت و واحدهای اداری عمومی به فرمول‌های دخالتی بسیار متنوعی متوسل گردیدند. در پاره‌ای موارد دولت خود مستقیماً دست به فعالیت‌های اقتصادی زد.

۲-۶. گرایش به حقوق عمومی در موارد مبهم

در برخی از موارد بطور واضح و روشن مشخص نیست که یک موضوع حقوقی خاص در کدام قلمرو قرار دارد و در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. هرچند هیچ فرمول مشخصی برای تعیین تکلیف در این موارد وجود ندارد لیکن حمایت از منافع عمومی ایجاب می‌نماید که چنین موضوعاتی جزء قلمرو حقوق عمومی محسوب شوند. مرز میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی را دیگر نه خط برجسته و مشخصی در میان است و نه دیواره جداکننده نفوذناپذیری. حقوق خصوصی در قلمرو سازمان‌های عام المنفعه بواسطه ارائه خدمات صنعتی و تجارتي وارد می‌شود. این واقعیت را می‌توان بخصوص در مؤسسات ملی

1. Chose Publique.

و شرکت‌های مختلط اقتصادی ملاحظه کرد. دولت با ورود به دنیای معاملات و بازرگانی، جامعه تاجری بر تن می‌پوشد و از تکنیک‌های حقوقی مربوط به تجارت استفاده می‌کند. حقوق عمومی و حقوق خصوصی با تعویض متقابل قلمروهای خود گاهی محتوای خود را نیز جابجا می‌کنند. نظام حقوقی قلمرو اشخاص حقیقی، نظام حقوق خصوصی است. اما مشتمل بر تعدادی عوامل اصیل و ویژه نسبت به حقوق عام مربوط به مالکیت است، حتی اگر تحول حقوق مالکیت را در نظر بگیریم.

۲-۷. منعطف بودن فنون حقوق عمومی

منعطف بودن فنون حقوق عمومی برای حل مشکلات و معضلات پیش آمده، گرایش را برای حرکت به سمت قلمرو حقوق عمومی افزایش می‌دهد. فنون کلاسیک حقوق عمومی نسبت به موضوعات جدیدی که برایش مطرح می‌شود دگرگونی می‌پذیرد. بعنوان نمونه این انعطاف را می‌توان در مؤسسات عام‌المنفعه مشاهده کرد. مؤسسه عام‌المنفعه همانند قالبی است که در عین حال می‌توان برای فعالیت‌های بازرگانی و حتی مؤسسات ملی از آن استفاده کرد.

فنون جدیدی در جهت پاسخگویی به الزامات اعمال اقتصادی و اجتماعی دولت ظاهر می‌شوند. حقوق عمومی اقتصادی رشته‌ای است که در آن جدیدترین فرمول‌ها موجودیت یافته‌اند، بی‌آنکه بخواهیم آن‌ها را شدیدترین و سخت‌گیرانه‌ترین بدانیم.^۱ فنون حقوق عمومی اقتصادی می‌تواند برای حل مشکلات تجاری و مدنی که در قلمرو حقوق خصوصی قرار دارند، بکار آیند اما نتیجه آن توسعه قلمرو حقوق عمومی خواهد بود.

۲-۸. منابع دوگانه حقوق عمومی

حقوق عمومی در ایران (همانند حقوق خصوصی) دارای دو منبع متفاوت است. یکی فقه شیعه و دیگری نظام‌های حقوقی غرب. بعلت فقدان یک ارتباط فعال و مستمر میان این دو

1. Qazi Shariat Panahi, Ibid., p. 26.

دسته منابع از یک سو و تأسیسات و هنجارهای حاکم بر هدایت امور بدست حکومت موجود در کشور از سوی دیگر، نظام حقوق عمومی به ضعف و چالش‌های متعدد و مزمن مبتلا بوده و هست.^۱

این منبع دوگانه موجود برای نظام حقوق عمومی ایران، موجب توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران شده است. قلمروهایی که برخی ریشه در حقوق غربی داشته و برخی دیگر ریشه در فقه شیعه دارند. بعلاوه مداخلات حقوق غربی در کشورهای اسلامی، شاهد این هستیم که امر سیاسی در دولت‌های جدید در جهان اسلام که ایران نمونه بارز آن است برخلاف دولت‌های سنتی اسلامی، ماهیتی دو وجهی پیدا کرده است. ترکیبی از «حکم شرعی» و «حقوق عمومی»؛ تلفیقی از حکم و حق را شاهد هستیم^۲ که در مواردی منجر به توسعه قلمرو حقوق عمومی شده است. بهره‌گیری از حکم شرعی در نظام حقوقی ایران به استناد اصل چهارم قانون اساسی، الزامی است و تمامی قوانین و مقررات باید مطابق با موازین اسلامی باشند. این الزام در غرب مشاهده نمی‌شود. اگر به گسترده شدن وظایف دولت مدرن نسبت به حکومت‌های سنتی بنگریم؛ درمی‌یابیم همان توسعه قلمرو حقوق عمومی است. کارکردهای نوین دولت در عصر کنونی هم افزایش یافته است و هم اینکه بیش از آنکه در حوزه احکام شرعی باشد، در قلمرو حقوق شهروندی است و لاجرم نیازمند مکانیسم‌های نظارتی مؤثر شهروندان است.^۳ همین امر موجب خروج دولت از سادگی گذشته شده است.

۳. مصادیق توسعه قلمرو حقوق عمومی

مصادیق توسعه قلمرو حقوق عمومی گسترده بوده و حتی خصوصی‌ترین موضوعات حقوقی را شامل شده است. علل کلی مطرح شده برای توسعه قلمرو حقوق عمومی بطور

1. Martin Laughlin, *Fundamentals of Public Law*, Translated by Mohammad Rasekh (Tehran: Ney Publishing, 2008) p. 17.

2. Mohammad Mahdi Shams-al-Din, *Nizam al-Hakm va Al-edarah in Islam* (Beirut: Est. Al-Dawliyyah for Studies and Publishing, 1420) p. 16.

3. Mohammad Falah Sekoklai, "Monitoring the Government and Its Mechanisms in Islam, Islamic Government", 14 th Year, No. 2, (2010), p. 2.

کلی در نظام حقوقی ایران نیز تأثیرگذار بوده و در سال‌های اخیر شاهد توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران بوده‌ایم. برخلاف تصور اولیه و طرح شعارهایی از قبیل کوچک شدن دولت، خصوصی‌سازی و غیره فارغ از اینکه آیا این شعارها منجر به کوچک شدن دولت شده‌اند یا خیر؟ شاهد توسعه قلمرو حقوق عمومی بوده‌ایم. ضمن بررسی مهم‌ترین این مصادیق، آسیب‌شناسی لازم را در خصوص هر یک خواهیم داشت.

۳-۱. توسعه قلمرو حقوق عمومی در حوزه حقوق کار

دخالت و ورود دولت‌ها در قرارداد کار باعث شد تا علاوه بر جنبه حقوق خصوصی داشتن رابطه کار، جنبه حقوق عمومی نیز به آن بیخشد و به مرور زمان و تحول حقوق کار نقش حقوق عمومی بیشتر از حقوق خصوصی جلوه‌گر شود.^۱

امروزه در حوزه روابط کارگر و کارفرما، باید قوانین به گونه‌ای تهیه و تنظیم شود که تا حد امکان از استثمار و بهره‌کشی کارگران توسط کارفرمایان جلوگیری به عمل آید.^۲ از سوی دیگر ویژگی قوانین کار باید طوری باشد که بر خلاف آنها نتوان توافق نمود^۳ و چنان با نظم عمومی در ارتباط باشد که تخلف از آنها مطابق با برهم زدن نظم عمومی باشد^۴ و سرانجام ویژگی‌های این قوانین چنان باشد که رعایت حقوق بنیادین کارگر را بنماید.

قوه مقننه باید با توجه به این نکته به وضع قوانینی مبادرت کند تا این نابرابری‌ها تا حدودی جبران و از میزان آنها کاسته شود. بدین جهت است که استادان این رشته، رسالت

1. Seyed Fadlullah Mousavi, "Looking at the General Aspects of Labor Law Based on the Labor Law of the Islamic Republic of Iran", Faculty of Law and Political Sciences (Tehran University), No. 50, (2000), p. 80.

2. Seyed Mohammad Hashemi, *An Attitude Towards the New Labor Law* (Tehran: Shahid Beheshti University Faculty of Law Publications, 1992) p. 21.

3. Zain al-Abidin Shidfar, *Labor and Industry Laws*, Second Volume (Tehran: Tehran University Press, 1969) p. 9.

4. Jafar Niaki, *Labor Laws of Iran, General* (Tehran: Khorrami Printing House, 1360) p. 131.

حقوق کار را تعدیل روابط بین کارگر و کارفرما می‌دانند.^۱ بدین جهت برخی حقوق کار را حقوق یک طرفه یا بعبارتی بهتر، تحول حقوق کار را تحولی «یک طرفه» دانسته‌اند. «بدین ترتیب که با دور شدن از اصول کلی قراردادها از یکی از طرفین که ضعیف‌تر از طرف دیگر است، حمایت بیشتر می‌نماید»^۲ و در عمل بخش مهمی از حقوق کار از حوزه حقوق قراردادها و حقوق خصوصی خارج شده و وارد قلمرو حقوق عمومی شده است. باید توجه داشت که تاسیس حقوق کار دلیل بر توسعه حقوق عمومی نیست و حقوق کار منجر به توسعه کیفی حقوق عمومی نشده است. حقوق کار، علت جدایی و ایجاد حقوق عمومی از حقوق خصوصی است و از نظر کمی منجر به توسعه قلمرو حقوق عمومی شده است و توسعه حقوق عمومی از این جهت، یک مزیت محسوب می‌شود.

۲-۳. توسعه قلمرو حقوق عمومی در حقوق تجارت

بخشی از قلمرو حقوق تجارت که یکی از دو شعبه مهم حقوق خصوصی است، در حاکمیت حقوق عمومی قرار گرفته است. در حقوق اساسی ساختار کلی اقتصاد کشور تعریف شده است. قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نمونه‌ای از این مداخلات است. از طرف دیگر فعالیت‌های تجاری گاه باید تحت نظارت و گاه دخالت دولت صورت گیرد. حتی لایحه جدید قانون تجارت موجب می‌شود قلمرو حقوق عمومی در ارتباط با حقوق تجارت گسترش بیشتری یابد. نمونه بسیار بارز این مداخلات را بخصوص در بحث ورشکستگی می‌توان مشاهده کرد. تلاش دولت برای جلوگیری از ورشکستگی تجار، نمونه‌ای از این مداخلات است. گفته شده که «بایستی در ابتدا از تصفیه و انحلال کارخانجات ورشکسته و بنگاه اقتصادی و تولیدی با نظارت قوه قضاییه جلوگیری کرد و تمامی تلاش‌ها و حمایت‌ها را صرف حفظ و نگهداری بنگاه و سازماندهی مجدد آن در

1. Ezzatullah Iraqi, *Labor Laws*, First Volume, Fourth Edition (Tehran: Samit Publications, 2016) p. 7.

2. Ibid., p. 8.

پرتو احیاء حقوق عامه نمود.^۱ بنظر می‌رسد که ورود بیش از حد حقوق عمومی به قلمرو حقوق تجارت نمی‌تواند پذیرفته شده باشد. حقوق تجارت باید بتواند با قواعد منبعث از خود که خصوصی هستند، بر مشکلات و چالش‌های موجود در این حوزه فائق آید و نیایستی به یک حقوق عمومی و دولتی تبدیل شود. بعنوان نمونه در بحث ورشکستگی، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مناسب‌تر از دخالت دولت می‌باشد. در مواردی نیز که چنین دخالت‌هایی بنابر مصالح بالاتری لازم است، باید به همان حد لزوم بسنده کرد.

۳-۳. توسعه قلمرو حقوق عمومی از طریق حقوق بشر

برخی از قلمروهای حقوقی وجود دارند که بطور واضحی جایگاه آنها مشخص نشده است و حقوق بشر یکی از آنهاست. حقوق‌دانان ایرانی که تألیفاتی در خصوص کلیات حقوق یا مقدمه علم حقوق دارند، در بررسی تقسیمات و شعبات علم حقوق بحثی از حقوق بشر مطرح نکرده‌اند و جایگاهی در تقسیمات فوق برای حقوق بشر قایل نشده‌اند.^۲ همچنین حقوق‌دانانی که در خصوص حقوق بشر مطالبی نوشته‌اند، بدون اعلام جایگاه حقوق بشر در تقسیمات حقوقی، بحث را بیشتر به گونه‌ای بیان نموده‌اند که حقوق بشر در حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل جریان دارد.^۳ در چنین اوضاع و احوالی برخی از این خلأ استفاده کرده و معتقدند: «حقوق بشر می‌تواند بعنوان قواعدی مشترک در جهت وحدت شاخه‌های مختلف حقوق باشد.»^۴

1. Zahra Moazzami & Ali Kazemzadeh, "Reviving Bankrupt Factories from the Perspective of Public Law in the Scope of Public Law", *Islamic Research and Studies Journal*, No. 15, (2019), p. 31.

2. Mostafa Daneshpajoh, *Sources of Law*, Volume 1 (Qom: Hozah and University Publishing House, 2012) p. 94 and Ghadrat Elah Vahedi, *Introduction to Law*, Second Edition (Tehran: Mizan, 2015) p. 37 and Iraj Goldouzian, *Generalities of Law and Introduction to Science Laws*, First Edition (Tehran: Majd, 2008) p. 88.

3. Seyed Mohammad Hashemi, *Human Rights and Basic Freedoms*, First Edition (Tehran: Mizan, 2014) p. 7 and Seyed Mohammad Qari Seyed Fatemi, *Human Rights of Contemporary Degrees*, Book I and II, Volume I (Tehran: Shahr Danesh, 2014) p. 93 and Christen Tamoshat, *Human Rights*, Translated by Hossein Sharifi Tarzkohi, First Volume (Tehran: Mizan Publications, 2018).

4. Abd ur Rasool Dayani & others, "Human Rights Practices in Private Relationships", *Danesh Civil Rights Journal*, No. 4, (2012), p. 17.

جهانی‌شدن حقوق بشر، محور دوم جهانی‌شدن حقوق است. این محور تا حدودی تأثیرات محور اقتصادی جهانی‌شدن را تعدیل می‌کند. واقعیت این است که با جهانی‌شدن حقوق بشر، انتقال ارزش‌هایی که فرایند جهانی‌شدن بر آنها مبتنی است مانند دموکراسی، دولت قانون‌مند، حقوق تعاون اجتماعی و نسل سوم حقوق بشر که حق برخورداری از محیط زیستی سالم مهمترین نماد آن است، میسر گردیده است و این مسأله از یک طرف به تقویت حقوق عمومی ارزشی کمک بسیار نموده است و از طرف دیگر به توسعه قلمرو حقوق عمومی منجر شده است. این نوع از توسعه قلمرو حقوق عمومی از این جهت که همراه با توسعه اصول پایه‌ای حقوق عمومی است، دارای ارزش است.

۳-۴. عدم کاهش قلمرو حقوق عمومی به واسطه اجرای نادرست خصوصی‌سازی

در حالیکه خصوصی‌سازی بعنوان حرکتی در راستای خارج ساختن بخشی از موضوعات از قلمرو حقوق عمومی تلقی می‌گردد، لیکن در ارتباط با شیوه اجرای آن در ایران، نقدهای مختلفی مطرح است. برخی گفته‌اند: «اگرچه استراتژی خصوصی‌سازی اموال عمومی باید به گونه‌ای باشد که زیربناهای مالکیت عمومی به بخش خصوصی واگذار نشده و در اختیار دولت باقی بماند اما این انتقاد بر آن وارد است که قانونگذار ایران برخلاف قانونگذار فرانسه، رویکردی محدود در تعیین اموال قابل واگذاری داشته و همچنان حجم وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی را غیرقابل واگذاری می‌داند. از این رو برای داشتن خصوصی‌سازی واقعی، اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت افزایش اموال قابل واگذاری و خصوصی‌سازی لازم است.^۱ از طرف دیگر، باقی ماندن برخی از نظارت‌ها در راستای خصوصی‌سازی، نه تنها قلمرو حقوق عمومی را کاهش نداده بلکه قلمروهای جدیدی به آن اضافه می‌کند. بعنوان نمونه در حالیکه مخابرات در ایران

1. Ismail Ajarlou & Daniyal Taheri, *Getting to Know the Concepts of Public Law, Examining the Concept of "Political Power"*, First Edition (Tehran: Guardian Council, Islamic Systemization Studies Office, Guardian Council Research Institute Publications, 2015) p. 201.

خصوصی‌سازی شده است، جلوه‌های جدیدی از مداخلات دولت در این شرکت مشاهده می‌شود. از جمله اینکه دولت مخابرات را مکلف به استخدام تعدادی از اشخاص نموده است.^۱ تحلیل قواعد این الزام باید در حوزه حقوق عمومی صورت پذیرد و این به معنای توسعه قلمرو موضوعی حقوق عمومی است.

۳-۵. توسعه قلمرو حقوق عمومی به حق مالکیت

مالکیت از مهم‌ترین مفاهیم حقوق خصوصی است. مفهوم مالکیت خصوصی در نظام حقوقی ایران در سال‌های اخیر دچار خدشه شده است و شاهد نفوذ قوی حقوق عمومی به خصوصی‌ترین مفاهیم حقوقی و از جمله حق مالکیت هستیم. مصادیق عمومی شدن مالکیت بسیار زیاد هستند که به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

حقوق آب در ایران که زمانی بطور کامل در قلمرو حقوق خصوصی بود، امروزه جزئی از حقوق عمومی گردیده است و بیشتر جنبه‌های آن ماهیت حقوق عمومی به خود گرفته است. «قانون آب و نحوه ملی شدن آب مصوب ۱۳۴۷ بعنوان نقطه عطفی کلی آب‌ها را ثروت ملی و متعلق به عموم ملی اعلام و از مالکیت خصوصی خارج کرد.»^۲ این قانون یکی از مصادیق مهم توسعه قلمرو حقوق عمومی می‌باشد که البته بسیار توجیه‌پذیر است.

در حال حاضر نظام بهره‌برداری بر مبنای مالکیت خصوصی آب از بین رفته است و نظام بهره‌برداری بر مبنای مصرف معقولی که توسط وزارت نیرو برای هر یک از مصارف تعیین می‌شود، جایگزین آن شده است. مضاف بر اینکه پروانه‌های مصرف معقولی که توسط وزارت نیرو صادر می‌گردد، ایجاد هیچگونه حق مکتسبی نمی‌کند و در شرایط کم‌آبی ممکن است از یک طرف میزان بهره‌برداری بیشتر از پروانه اجازه داده نشود و یا

1. Article 6 of the Resolution of the Council of Ministers Dated 2015/10/17 Entitled "General Framework for the Transfer of Transferable Telecommunication Companies".

2. Rahim Pilvar & Maryam Rajabi, "Ownership Rights of Water Wells; The Field of Transformation from Private Law to Public Law", Daneshnamehi Legal Journals, No. 2, (2018), p. 67.

اینکه بر اساس نیازهای روز، آب مشمول پروانه مصرف معقول به اولویت‌های مهم‌تری اختصاص یابد.

ملی کردن^۱ به معنی سلب مالکیت از مالکین خصوصی منابع ثروت یا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و انتقال آن به مردم است و منظور این است که مدیریت سرمایه‌داری خصوصی منابع ثروت‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سازمان دادن آنها به نحو شایسته و مقتضی تحت مدیریت عمومی می‌باشد.^۲ در گزارشی که توسط سازمان ملل متحد منتشر گردیده، مسئله مهم و اساسی را مطرح کرده که می‌تواند اساس و بینش ما را در مورد آب تشکیل دهد و به جهت اهمیت موضوع عین متن آن را در ذیل آورده می‌شود. «آب روان متعلق به همگان است و جنبه عمومی دارد و جزء حقوق عمومی شناخته شده است و هیچ کس نمی‌تواند برای مدت معینی آب را به خود اختصاص دهد. بنابراین مادامی که استفاده محدود هم ممنوع نباشد، در نتیجه جنبه عمومی داشتن و جزء حقوقی بودن آب روان مسلم است، حق مالکیت نسبت به آب‌های جاری در مجاری رودخانه و مجاری طبیعی وجود ندارد، اگرچه مالکین اراضی کنار این مجاری طبیعی حق استفاده از چنین آب‌هایی را دارند».^۳ با توجه به کمبود منابع آب، توسعه قلمرو حقوق عمومی در چنین موردی قابل قبول است.

مورد دوم، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ بود. این قانون از جمله قوانینی است که در حوزه تملک اراضی واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها که مورد نیاز شرکت ملی نفت ایران برای عبور لوله‌ها می‌باشد، بطور گسترده‌ای در مقام توسعه قلمرو حقوق عمومی بوده است.^۴ به نحوی که بر خلاف تمامی ضوابط و قواعد نظام

1. Nationalisation.

2. Manouchehr Tabatabai Motmani, *Administrative Law* (Tehran: Beta Publications, 1996) p. 388.

3. Nouraldin Ayrmello, *Harim of Water Resources* (Tabriz: Peak Noor Publishing House, 2010) p. 5.

4. Seyed Elham Tahani-Najad Nobri, "Study on the Ownership of Oil Lands, The Conflict Between Public Rights and Private Rights", *Qonun Yar Magazine*, No. 6, (2017), p. 325.

حقوقی مالکیت در حقوق خصوصی، بدون رضایت مالک و بدون اینکه عوضی به وی پرداخته شود، زمین از مالک گرفته شده و چیزی به وی پرداخت نمی‌گردد.^۱ هرچند در وضعیت جدید این قانون اصلاح شده است، لیکن این قانون بر تملک‌های صورت گرفته در زمان حاکمیت اساسنامه قبلی اعمال می‌شود.

۳-۶. توسعه قلمرو حقوق عمومی از طریق حقوق بین‌الملل

حقوق عمومی در دوران معاصر تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای که تأثیرات شگرفی بر نهادها و ساختارهای حقوق داخلی بر جای می‌گذارند، دیگر واجد خصلتی صرفاً ملی و داخلی نیست. تا به امروز ساختارهای حقوق داخلی صرفاً بوسیله مراجع تصمیم‌گیر داخلی تدارک دیده می‌شدند و مسائل مطرح در حقوق عمومی فقط توسط نهادهای داخلی و به موجب خواست آنها تعیین تکلیف می‌شدند و تحولات بین‌المللی یارای تأثیرگذاری جدی بر موضوعات حقوق داخلی را نداشتند. ولی از نیمه‌های دوم سده بیستم این موضوع تحول یافته است. با رشد و تقویت حقوق بین‌الملل و جنبش‌های حقوق بشری و متأثر از پدیده‌هایی همانند جهانی شدن و منطقه‌گرایی، حقوق عمومی داخلی دیگر محدود به چارچوب مرزهای دولت-کشوری نیست.^۲

برخی تحولات منجر به ایجاد خصلت بین‌المللی برای حقوق عمومی در دوران معاصر شده است. چنانچه بیان شد جهانی شدن در دوران فعلی در حقوق عمومی موضوعیتی ندارد، چراکه نظام‌های حقوقی ملی از قوت فراوانی برخوردار هستند و عمدتاً بصورت اختیاری به تحولات بین‌المللی و تأثیرپذیری از آنها تن درمی‌دهند. نکته دیگری که باید بیان داشت، این است که با عنایت به اشتراکات ایجاد شده در نظام‌های حقوقی داخلی متأثر از تحولات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، می‌توان از «حقوق بین‌الملل عمومی» بعنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای در علم حقوق سخن گفت.^۲ موضوع اصلی این

1. Ibid., p. 326.

2. Ali Sohrablo & Bijan Abbasi, "The Internationalization of Contemporary Public Law; Effects and Examples", Legal Research Journal, No. 2, (2016), p. 209.

رشته در حال حاضر بر مسائل و مباحث حقوق بشری متمرکز است اما روند تحولات رو به سوی تکمیل مباحث این حوزه و شمول دیگر موضوعات حقوق عمومی در گستره و خصلتی بین‌المللی دارد.^۱ ارتباط متقابل حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل موجب شده است تا قلمرو حقوق عمومی توسعه یابد.

۳-۷. توسعه قلمرو حقوق عمومی در حوزه مالکیت ادبی و هنری

حوزه مالکیت ادبی و هنری از حوزه‌های خاص حقوق خصوصی است که در سال‌های اخیر بخشی از آن وارد قلمرو حقوق عمومی شده است. «حقوق عمومی از مفاهیم و اصول کلیدی تشکیل یافته است که هر یک از آنها به نوعی بر حقوق مالکیت ادبی و هنری اثرگذارند اما مهمترین آنها در این زمینه عبارتند از: اقتدار عمومی، منفعت عمومی و نظم عمومی».^۲

«مقوله‌های منفعت عمومی و نظم عمومی که از شاکله‌های اصلی حقوق عمومی به حساب می‌آیند، و از محدودیت‌های توجیه‌پذیر وارد بر حقوق افراد جامعه می‌باشند. بر همین مبنا عدم حمایت لازم و کافی از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری و هنری، در یک جامعه دموکراتیک و بر اساس شرایط پیش‌بینی شده در قانون، روا تلقی نمی‌گردد. از سوی دیگر، حمایت کافی و شایسته از حقوق افراد، نهایتاً منجر به حفظ منفعت عمومی خواهد شد.»^۳ ورود به حوزه مالکیت ادبی و هنری از منظر حفظ منفعت عمومی، موجبات توسعه قلمرو حقوق عمومی را فراهم کرده است و این امر کاملاً صحیح و بجا می‌باشد.

۳-۸. شهرسازی و توسعه قلمرو حقوق عمومی

مسائل مربوط به شهرسازی، هم به حوزه حقوق خصوصی و هم حوزه حقوق عمومی مربوط می‌شود. «شهرسازی از مقوله‌هایی است که هم با حقوق عمومی و هم با خصوصی

1. Ibid., p. 210.

2. Ali Akbar Gurji Azandriani & Mehdi Moradi Berlian, "Links of Public Law and Income Literary and Artistic Property Rights Based on Theoretical Foundations", Law Journal No. 3, (2013), p. 180.

3. Ibid., p. 180.

در ارتباط است.^۱ جنبه‌هایی از شهرسازی که به حقوق خصوصی مربوط می‌شود، به اختیار و سلايق و خودمختاری اشخاص در ارتباط با ساخت و سازهای شهری برمی‌گردد و همه اشخاص حق دارند تا سلايق خود را در این زمینه اعمال نمایند. «برعکس حقوق عمومی، جوهره حقوق خصوصی با آهنگ برابری و خودمختاری اشخاص در برابر یکدیگر موزون شده است.»^۲ اما از طرف دیگر حکومت‌ها بدنبال اعمال سیاست‌های خود در شهرسازی هستند. «حکومت‌ها به دلایل امنیتی و سیاسی به دنبال تحدید حریم خصوصی هستند.»^۳ «مفهوم تازه حاکمیت، آمیزه‌ای متوازن است که هنوز حکومت هسته مرکزی آن است، لیکن عوامل دیگر نیز کنشی متقابل با آن دارند.»^۴ در واقع در مسائل شهرسازی، آنچه که حاکمیت در ارتباط با آن تصمیم‌گیری می‌کند، به حوزه حقوق عمومی مربوط است و عوامل دیگر که در کنش با آن هستند، به حوزه حقوق خصوصی مربوط است لیکن در سال‌های اخیر، سهم این عوامل خصوصی بشدت کم شده است، به نحوی که می‌توان گفت بخش مهم و عمده مسائل شهرسازی، وارد قلمرو حقوق عمومی شده است. این امر از جمله موجه‌ترین موارد توسعه قلمرو حقوق عمومی است. هرگونه کوتاهی مقامات عمومی در این خصوص عواقب ناگواری برای جامعه دارد.^۵

۳-۹. توسعه قلمرو حقوق عمومی از طریق حقوق رقابت

در اسلام اصولاً مداخله دولت در بازار یک امر استثنایی است و بازار در قلمرو حقوق خصوصی قرار دارد. با وجود این در مواردی که کلیت این نظام در معرض تهدید قرار

1. Mohammad Saber Bagharian, "Urban Planning, Public and Private Rights in the Contemporary Era of Relations, Systems and Challenges, Art and Architecture", Bagh Nazar Magazine, No. 8, (2007), p. 9.

2. Ali Akbar Gurji Azandriani, "Public Rights and Private Rights: Duality or Unity?", Journal of Legal Research, No. 47, (2008), p. 14.

3. Farid Mohseni & Mohammad Hossein Mir Emad, "The Basics and Exceptions of Privacy in Islam and Iranian Law from the Public Law Perspective", Journal of Evidence Legal Teachings, No. 9, (2018), p. 262.

4. Mohammad Reza Vijhe, "The New Concept of Sovereignty in Public Law", Journal of Political-Economic Information, No. 231 - 232, (2005), p. 45.

5. The Abadan Metropol Incident is an Example of the Failure of Responsible Public Authorities in this Area.

می‌گیرد، دخالت حاکم اسلامی به جهت حفظ نظام جایز بلکه لازم خواهد بود.^۱ مفاهیم نوین حقوق رقابت بطور عمده وارداتی هستند و «برخی از مفاهیم آن با ذهن حقوقدان، قضات و متولیان امر مأنوس نمی‌باشد».^۲

اگرچه می‌توان تاریخ رسمی تصویب قانون رقابت و پیش‌بینی نهاد ناظر بر اجرای قواعد حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران را تاریخ تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تلقی کرد اما قبل از تصویب این قانون نیز قوانین متعدد و پراکنده‌ای در حوزه حقوق رقابت وجود داشتند.

«صندوق ضمانت حمایت از مصرف‌کننده» که اجازه پرداخت یارانه و زیانکرد را به دولت می‌داد و در سال ۱۳۵۳ تشکیل شده بود در سال ۱۳۵۶ به «سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان» تبدیل شد. هر یک از این نهادها وظایف خاصی بر عهده داشتند که نظارت بر قیمت‌ها، وضعیت انحصارات در بازار و کنترل رقابت بازارها از جمله این وظایف بود.^۳

پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، خط‌مشی حاکم بر اقتصاد ایران در حوزه‌های مختلف نیز تدوین شد. اصل ۴۴ قانون اساسی هدف اقتصاد ایران را تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او می‌داند و ۹ ضابطه را برای حصول چنین هدفی برمی‌شمرد. مورد پنجم از این ضوابط؛ منع اضرار به غیر، انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل است. این مورد یکی از اهداف اصلی شورای رقابت یعنی منع انحصار را در

1. Mahmoud Bagheri & Mehdi Rashund Bukani, "Competition Rights and Defense of Completeness in Umamia Jurisprudence", Islamic Law Research No. 82, (2008), p. 79.

2. Amir Abbas Alaaldini and Mehrzad Shiri, "Rules of Competition Laws in Iran and Its Developments in the Light of the General Policies of Article 44 of the Constitution", Qadavt, No. 87, (2015), p. 143.

3. Mohammad Mehdi Behkish, *Iran's Economy in the Context of Globalization*, 4th Edition (Tehran: Ney Publishing, 2015) p. 262.

برمی گیرد.^۱

اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار می کند. با وجود اینکه این اصل یکی از مهم ترین عوامل غلبه اقتصاد دولتی در حقوق ایران بود اما باز تعریف آن، زمینه ساز ایجاد تحول در اقتصاد ایران شد. به دلیل اینکه اصل ۴۴ حضور بخش خصوصی در عرصه اقتصادی را بطور کامل نفی نکرده و تنها آن را محدود کرده بود، تفسیر جدید توانست پایه قانونی خصوصی سازی در حقوق ایران را بوجود آورد.^۲

با ابلاغ مصوبه شماره ۳۰۵۰۱/۱۶۵۳ هیئت وزیران به تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۹ به وزارت بازرگانی، این وزارتخانه ملزم شد که با همکاری وزارت امور اقتصاد و دارایی کار تدوین لایحه تسهیل رقابت و منع انحصار را آغاز نماید.^۳

لایحه فوق الذکر بدون اصلاحات عمده ای به تصویب مجلس رسید. با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ توسط رهبر در سال ۱۳۸۴ و تدوین «لایحه قانونی اجرای سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی به بخش های غیردولتی»، این لایحه با لایحه «تسهیل رقابت و منع انحصار» وزارت بازرگانی ادغام شد و با هم در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت.

قانون برنامه ششم توسعه نیز در شق ۹ بند «ج» ماده ۲۹، دولت را مکلف دانسته که شفافیت رابطه دولت و بازار و افزایش اقتدار شورای رقابت برای محدود نمودن هر چه بیشتر انحصارات را ارتقا دهد. این ماده می تواند در جهت رفع مشکلات شورای رقابت (بویژه در برخورد با بنگاه های اقتصادی متخلف) و حل تعارضات این شورا با نهادهای

1. Mohammad Hossein Vakili Moghadam, *Commercial Anti-Competition Agreements*, First Edition (Tehran: Hemgan Publications, 2019) p. 119.

2. Mohammad Rahim Ahmadvand, "Evaluation of Privatization Performance in Iran, Financial and Economic Policy Quarterly", No. 2, (2012), p. 144.

3. Office of Economic Studies, Vice President of Planning and Economic Affairs, *Competition Law Bill, Theoretical Bases and Experience of Countries*, Ministry of Commerce, (2011), p. 265.

تنظیم‌کننده بخشی کمک نماید.^۱

بجز موارد فوق حقوق رقابت در تعامل و ارتباط بسیار نزدیک با قوانین مرتبط دیگر و از جمله قواعد رسیدگی به اختلافات ناشی از حقوق رقابت است. حقوق رقابت در ایران بطور وسیعی قلمرو حقوق عمومی را گسترش داده است. آنچه که امروزه از طریق شورای رقابت چه در مقام ترافع و چه در مقام تصمیم‌سازی انجام می‌گیرد، همگی در قلمرو حقوق عمومی قرار دارد، در حالیکه موضوعات مورد رسیدگی در موارد متعددی از نظر سنتی و ذاتی، در قلمرو حقوق خصوصی و تحت عنوان «توافق» قرار داشتند. ممنوعیت توافقات با موضوع ضد رقابتی، یکی از آنهاست. «قواعد انحلال قرارداد عدم رقابت متأثر از حقوق عمومی است».^۲

ماده ۱۰ قانون مدنی نیز که اصل حاکمیت اراده را به رسمیت شناخته است، اراده را در قالب توافق به رسمیت شناخته است، به همین دلیل است که ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» این در حالی است که در حقوق رقابت نه تنها برخی از توافقات فعالان اقتصادی ممنوع اعلام شده است بلکه برخی از تصمیمات و اقدامات ایشان که بصورت توافق اعلام نگردیده نیز ممنوع اعلام شده است. در این موارد نیازی نیست که اراده اشخاص در قالب توافق ممنوع گردد بلکه تصمیمات شخصی و درون شرکتی نیز ممکن است ممنوع اعلام گردیده و بعنوان رویه ضد رقابتی تلقی شود و این از مهم‌ترین نمودهای توسعه قلمرو حقوق عمومی است.

1. Mina Hosseini, *Competition Laws in the Mirror of the Structure and Decisions of the Competition Council*, First Edition (Tehran: Majed Publications, 2016) p. 55.

2. Ebrahim Rahbari & Najmeh Kazemi Ahoui, "Liquidation and Amendment of Non-Competition Agreement, an Applied Study in the Laws of Iran, America and EU Countries", *Applied Law Research*, No. 2, (2012), p. 63.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم وجود اختلاف نظر در خصوص تمایز یا عدم تمایز قلمرو حقوق خصوصی و عمومی از یکدیگر، این یک واقعیت است که قلمرو این دو در عمل از یکدیگر جداست و حتی در نظام‌های حقوقی که به یگانگی حقوق عمومی و خصوصی اعتقاد دارند، در عمل شاهد این هستیم که نظام آموزشی حقوق عمومی مجزا و جداگانه است. با پذیرش متفاوت بودن قلمرو حقوق عمومی و حقوق خصوصی و البته اذعان به این موضوع که در مواردی تشخیص مرز و خط بین این دو قلمرو کار آسانی نیست، هر یک از این دو رشته حقوقی قلمرو مخصوص به خود را دارند. در سال‌های اخیر شاهد گسترش و توسعه قلمرو حقوق عمومی هستیم و بسیاری از موضوعاتی که از نظر سنتی و کلاسیک در قلمرو حقوق خصوصی قرار داشتند یا بطور کامل و یا بطور نسبی وارد قلمرو حقوق عمومی شده‌اند. در این بین عوامل متعددی در توسعه قلمرو حقوق عمومی نقش داشته‌اند که تمایل به اعمال اقتدار از سوی دولت، برتری فنون حقوقی حقوق عمومی، مداخلات بیش از حد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی، کم‌بها شدن مسلک لیبرال، گرایش به حقوق عمومی در موارد مبهم، منعطف بودن فنون حقوق عمومی و منابع دوگانه حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران از علل اصلی توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران بوده و شاهد توسعه قلمرو حقوق عمومی در حوزه‌های مختلف و از جمله حقوق کار، حقوق بشر، حقوق تجارت، حقوق قراردادها، حقوق مالکیت، حقوق مالکیت ادبی و هنری، حقوق شهرسازی، حقوق رقابت و غیره هستیم. بنظر می‌رسد که مزایای توسعه قلمرو حقوق عمومی بر معایب آن برتری دارد و توسعه قلمرو حقوق عمومی در حوزه حقوق کار و حقوق بشر موجه و قابل پذیرش باشد؛ لیکن ورود حقوق عمومی بطور فزاینده به سایر قلمروهای حقوق خصوصی، چندان موجه نبوده، زیرا که منجر به ناتوانی و عجز راهکارهای حقوق خصوصی در طول زمان خواهد شد. دخالت حقوق عمومی در قلمرو حقوق خصوصی باید یک امر استثنائی باشد. این پژوهش در حوزه پژوهش‌هایی که در موضوع توسعه قلمرو حقوق عمومی صورت گرفته، از این جهت که به بررسی مصادیق مهم توسعه قلمرو حقوق عمومی

پرداخته است، نوین می‌باشد.

محدودیت مهم در انجام این پژوهش، فقدان یک مدل و الگوی تعریف شده برای توسعه حقوق عمومی در ایران بود که بتوان بر اساس این مدل، وضعیت توسعه قلمرو حقوق عمومی را مورد بررسی قرارداد.

در پایان نیز دو پیشنهاد ذیل که استنتاج شده از یافته‌های پژوهش است، ارائه می‌گردد:

* با توجه به توسعه کمی قلمرو حقوق عمومی در ایران، نظام دادگاه‌ها و مراجع رسیدگی به دعاوی حوزه حقوق عمومی نتوانسته است همپای این توسعه کمی قلمرو حقوق عمومی رشد نماید. در نتیجه ایجاد دادگاه‌های اختصاصی اداری با ترکیبی از قضات پرورش یافته در مکتب حقوق عمومی بجای بخش مهمی از مراجع شبه‌قضایی موجود در ایران پیشنهاد می‌گردد.

* نظام آموزشی حقوق عمومی نیز نتوانسته است همپای با توسعه قلمرو حقوق عمومی، مباحث وارد شده در حوزه حقوق عمومی را پوشش دهد. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد تا با ارائه سرفصل جدیدی از دروس حقوق عمومی، تمامی موضوعاتی که وارد قلمرو حقوق عمومی شده‌اند، از حیث آموزش دانشگاهی، ذیل عنوان حقوق عمومی آموزش داده شوند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hassan Hamzeloee
Maghsood Ranjbar
Mohammad Taghi
Dashti



<https://orcid.org/0000-0003-0348-1623>



<https://orcid.org/0000-0001-7518-8755>



<https://orcid.org/0000-0002-9821-3009>

منابع

کتاب‌ها

- آجرلو، اسماعیل و طاهری، دانیال، *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم «قدرت سیاسی»*، چاپ اول (تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵).
- آیرملو نورالدین، حریم منابع آب، چاپ اول (تبریز: انتشارات پیک نور، ۱۳۸۰).
- بهکیش، محمد مهدی، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، چاپ چهارم (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).
- تاموشات، کریستن، *حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی*، جلد اول (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۸).
- جلالی، محمد و یاوری، اسداله، *درآمدی بر حقوق اساسی*، چاپ دوم (تهران: میزان، ۱۴۰۰).
- حسینی، مینا، *حقوق رقابت در آئینه ساختار و تصمیمات شورای رقابت*، چاپ اول (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۶).
- خدابخشی عبدالله، *تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹).
- خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، جلد بیستم (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۳).
- دانش‌پژوه، مصطفی، *منابع حقوق*، جلد اول (قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱).
- دفتر مطالعات اقتصادی، *معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، لایحه قانون رقابت مابین نظری و تجربه کشورها وزارت بازرگانی* (تهران: ۱۳۹۱).
- شمس‌الدین، محمد مهدی، *نظام الحکم و الإدارة فی الإسلام* (بیروت: مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر؛ ۱۴۲۰).
- شیدفر زین العابدین، *حقوق کار و صنعت*، جلد دوم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷).
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، *حقوق اداری* (تهران: انتشارات بی تا، ۱۳۷۵).
- عراقی، عزت اله، *حقوق کار*، جلد اول، ویراست چهارم، پ (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۶).
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، *حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول و دوم*، جلد اول (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۲).
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، *گفتارهایی در حقوق عمومی*، چاپ اول (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵).

- گلدوزیان ایرج، کلیات حقوق و مقدمه علم حقوق، چاپ اول (تهران: مجد، ۱۳۸۶).
- لاگین، مارتین، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸).
- نیاکی، جعفر، حقوق کار ایران، کلیات (تهران: چاپخانه خرمی، ۱۳۶۰).
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول (تهران: میزان، ۱۳۸۴).
- هاشمی، سید محمد، نگرشی بر قانون جدید کار (تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰).
- واحدی، قدرت اله، مقدمه علم حقوق، چاپ دوم (تهران: میزان، ۱۳۸۵).
- وکیلی مقدم، محمد، توافقات ضد رقابت تجاری، چاپ اول (تهران: انتشارات همگان، ۱۳۹۰).

مقاله‌ها

- احمدوند، محمدرحیم، «واکاوی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲، (۱۳۹۲).
- باقری، محمود و رشوند بوکانی، مهدی، «حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۸۲، (۱۳۸۷).
- باقریان، محمد صابر، «شهرسازی، حقوق عمومی و خصوصی در دوران معاصر نسبت‌ها، نظام‌ها و چالش‌ها، هنر و معماری»، نشریه باغ نظر، شماره ۸، (۱۳۸۷).
- پیلوار، رحیم و رجبی، مریم، «حقوق مالکیت چاه‌های آب؛ عرصه تحول از حقوق خصوصی به حقوق عمومی»، نشریه دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۲، (۱۳۹۸).
- توتونچیان، مهری و خزائی، احمدرضا، «حقوق اقتصادی شهروندی و تعارض آن با منافع عمومی با تاکید بر نظر امام خمینی (ره): نشریه حقوق پزشکی، شماره ۴۶، (۱۳۹۷).
- دیانی، عبدالرسول و دیگران، «اعمال حقوق بشر در روابط خصوصی»، نشریه دانش حقوق مدنی، شماره ۴، (۱۳۹۲).
- حیدری کوچی، سیاوش و بابایی خانه سر، عباس، «بررسی تفکیک اشخاص حقوقی حقوق عمومی از خصوصی و تاثیر آن بر مقررات جزائی»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، دوره چهارم، شماره ۱، (۱۳۹۷).
- خیرالدین، رضا و دالایی میلان، ابراهیم، «نظام حقوق شهرسازی ایران در پرتو قوانین و مقررات اسلامی (تبیین الگوی برهمکنش حقوق عمومی و خصوصی)»، نشریه مدیریت شهری و روستایی، شماره ۴۳، (۱۳۹۵).

- رهبری، ابراهیم و کاظمی آهوئی، نجمه، «انحلال و تعدیل قرارداد عدم رقابت مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، (۱۳۹۱).
- سهرابلو، علی و عباسی، بیژن، «بین‌المللی شدن حقوق عمومی معاصر؛ جلوه‌ها و مصادیق»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲، (۱۳۹۶).
- طاهانی نژاد نوبری، سیده الهام، «بررسی مالکیت اراضی نفتی تعارض حقوق عمومی و حقوق خصوصی»، نشریه قانون یار، شماره ۶، (۱۳۹۷).
- علاء‌الدینی، امیرعباس و شیرینی، مهرزاد، «قواعد حقوق رقابت در ایران و تحولات آن در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، قضاوت، شماره ۸۷، (۱۳۹۵).
- فلاح سکوکلایی، محمد، «نظارت بر حکومت و سازوکارهای آن در اسلام، حکومت اسلامی»، سال چهاردهم، شماره ۲، (۱۳۸۸).
- گرجی ازندریانی، علی اکبر و مرادی برلیان، مهدی، «پیوندهای حقوق عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری در آمدی بر مبانی نظری»، نشریه حقوق شماره ۳، (۱۳۹۳).
- گرجی ازندریانی، علی اکبر، «حقوق عمومی و حقوق خصوصی: دوگانگی یا یگانگی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۷، (۱۳۸۷).
- محسنی، فرید و میرعماد، محمدحسین، «مبانی و استثنائات حریم خصوصی در اسلام و حقوق ایران از دیدگاه حقوق عمومی»، نشریه آموزه‌های حقوقی گواه، شماره ۹، (۱۳۹۸).
- معظمی، زهرا و کاظم زاده، علی، «احیای کارخانجات ورشکسته از منظر حقوق عامه در گستره حقوق عمومی»، نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی، شماره ۱۵، (۱۳۹۹).
- مهرآرام، پرهام و افتخار جهرمی، گودرز، (۱۳۹۸)، «بن مایه‌های رومی حقوق عمومی»، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۲، (۱۳۹۸).
- موسوی، سید فضل الله، «نگاهی به جنبه‌های عمومی حقوق کار با تکیه بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۵۰، (۱۳۷۹).
- نوین، پرویز، «تعریف و قلمرو حقوق عمومی»، نشریه قضاوت، شماره ۶۰، (۱۳۸۸).
- ویژه، محمد رضا، «مفهوم تازه حاکمیت در حقوق عمومی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۲۳۱ و ۲۳۲، (۱۳۸۵).

References

Books

- Ajarlou, Ismail & Taheri, Daniyal, *Getting to Know the Concepts of Public Law, Examining the Concept of "Political Power"*, First Edition (Tehran: Guardian Council Research Institute Publications, 2015). [In Persain]
- Ayrmelo, Nouraldin, *The Sanctuary of Water Resources*, First Edition (Tabriz: Peak Noor Publishing House, 2010). [In Persain]
- Behkish, Mohammad Mahdi, *Iran's Economy in the Context of Globalization*, 4th Edition (Tehran: Ney Publishing, 2015). [In Persain]
- Goldouzian, Iraj, *Generalities of Law and Introduction to the Science of Law*, First Edition (Tehran: Majd, 2016). [In Persain]
- Hashemi, Seyed Mohammad, *An Attitude Towards the New Labor Law*, (Tehran: Shahid Beheshti University Faculty of Law Publications, 1370). [In Persain]
- Hashemi, Seyed Mohammad, *Human Rights and Basic Freedoms*, First Edition (Tehran: Mizan, 2014). [In Persain]
- Hosseini, Mina, *Competition Laws in the Mirror of the Structure and Decisions of the Competition Council*, First Edition (Tehran: Majd Publications, 2016). [In Persain]
- Iraqi, Ezzatullah, *Labor Rights*, First Volume, Fourth Edition (Tehran: Samet Publications, 2016). [In Persain]
- Jalali, Mohammad & Yavari, Asadallah, *An Introduction to Constitutional Rights*, Second Edition (Tehran: Mizan, 1400). [In Persain]
- Khodabakhshi, Abdullah, *Fundamental Distinction between Civil Rights and Criminal Laws* (Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research Publications, 1389). [In Persain]
- Khomeini, Seyed Ruhollah, *Sahifa Imam*, Volume 20 (Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini, 2013). [In Persain]
- Laughlin, Martin, *Fundamentals of Public Law*, Translated by Mohammad Rasakh (Tehran: Ney Publishing, 2008). [In Persain]

- Niaki, Jafar, *Labor Laws of Iran*, Kliat (Tehran: Khorrami Printing House, 1360). [In Persain]
- Office of Economic Studies, Vice President of Planning and Economic Affairs, *Competition Law Bill, Theoretical Foundations and Experience of Vountries* (Ministry of Commerce, 2013). [In Persain]
- Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, *Contemporary Human Rights*, Book 1 and 2, Volume 1 (Tehran: Shahr Danesh, 2012). [In Persain]
- Qazi Shariat Panahi, Abulfazl, *Speeches in Public Law*, First Edition, (Tehran: Nasser Dadgstar, 1375). [In Persain]
- Scholar, Mustafa, *Sources of Laws*, First Volume (Qom: Hozah and University Publications, 2011). [In Persain]
- Shams-al-Din, Mohammad Mahdi, *Nizam al-Hakm wa Al-Dahram in Islam* (Beirut: Est. Al-Dawliyya for Studies and Al-Nashar; 1420). [In Persain]
- Shidfar, Zain al-Abidin, *Labor and Industry Laws*, Second Volume, (Tehran: Tehran University Press, 1347). [In Persain]
- Tabatabae'i Motmani, Manouchehr, *Administrative Law* (Tehran: Beta Publications, 1375). [In Persain]
- Tamoshat, Christsen, *Human Rights*, Translated by Hossein Sharifi Tarazkahi, First Volume (Tehran: Mizan Publications, 2018). [In Persain]
- Vahidi, Ghodratollah, *Introduction to the Science of Law*, Second Edition, (Tehran: Mizan, 2015). [In Persain]
- Vakili Moghadam, Mohammad, *Commercial Anti-Competition Agreements*, First Edition (Tehran: Hemgan Publishing House, 2019). [In Persain]
- Allison, J, *A Continental Distinction in the Common Law, A Historical and Comparative Perspective on English Public Law* (Oxford: Oxford University Press, 1994).
- Brown, W, *Undoing the Demos, Neoliberalism's Stealth Revolution* (New York: Zone Books, 2015).

- Caenegem, Van, *A Historical Introduction to Western Constitutional Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 1995).
- Crouch, C (eds.), *Citizenship, Markets, and the State* (Oxford: Oxford University Press, 2001).
- Frenkel, David, *Selected Issues in Public Private Law* (Athens: Athens Institute for Education and Research, 2015).
- Mac, Amhlaigh, (eds.), *After Public Law* (Oxford: Oxford University Press, 2013).
- Tocqueville, De, *Correspondance anglaise, Oeuvres complètes* (Paris: Gallimard, 1991).
- Van Creveld, M, *The Rise and Decline of the State* (Cambridge: Cambridge University Press, 1999).
- Van den Berge, Lukas, *Bestuursrecht tussen autonomie en verhouding* (The Hague: Boom Juridisch, 2016).
- Von, Hayek, Freidrich, *Law, Legislation and Liberty: The Political Orders of a Free People* (Chicago: Chicago University Press, 1985).

Articles

- Ahmadvand, Mohammad Rahim, "Evaluation of Privatization Performance in Iran", *Financial and Economic Policy Quarterly*, No. 2 (2012). [In Persain]
- Alaaldini Amir, Abbas & Shiri, Mehrzad, "Rules of Competition Laws in Iran and Its Developments in the Light of the General Policies of Article 44 of the Constitution", *Qezavat*, No. 87, (2015). [In Persain]
- Bagharian, Mohammad Saber, "Urban Planning, Public and Private Rights in the Contemporary Era of Eelations, Systems and Challenges, Art and Architecture", *Bagh Nazar Magazine*, Number 8, (2007). [In Persain]
- Bagheri, Mahmoud & Rashund Bukani, Mehdi, "Competition Rights and Defense of Completeness in Umami Jurisprudence", *Islamic Law Research*, No. 82, (1387). [In Persain]

- Diyani, Abdul Rasool & Others, “Human Rights Practices in Private Relationships”, *Danesh Law of Civil Rights*, No. 4, (2012). [In Persain]
- Fallah Sakokolae'i, Mohammad, “Monitoring the Government and Its Mechanisms in Islam”, *Islamic Government*, 14th Year, Number 2, (1388), [In Persain]
- Gorji Azandariani, Ali Akbar & Moradi Berlian, Mehdi, “Links of Public Law and Literary and Artistic Property Rights Based on Theoretical Foundations”, *Law Journal*, No. 3, (2013). [In Persain]
- Gorji Azandariani, Ali Akbar, “Public Law and Private Law: Duality or Unity”, *Legal Research Journal*, No. 47, (1387). [In Persain]
- Heydari Kochi, Siavash & Babae'i Khaneh Ser, Abbas, “Study on the Separation of Legal Entities under Public Law from Private Law and Its Impact on Criminal Regulations”, *Journal of Political Science Studies*, Volume. 4, Number. 1, (2017). [In Persain]
- Khairuddin, Reza & Dalai Milan, Ibrahim, “Iran's Urban Planning Law System in the Light of Islamic Laws and Regulations (Explanation of the Interaction Pattern of Public and Private Rights)”, *Urban and Rural Management Journal*, No. 43, (2015). [In Persain]
- Mehraram, Parham & Eftekhari Jahrami, Goudars, “The Roman Principles of Public Law”, *Public Law Research Journal*, No. 62, (2018). [In Persain]
- Moazzami, Zahra & Kazemzadeh, Ali, “Reviving Bankrupt Factories from the Perspective of Public Law in the Scope of Public Law”, *Journal of Islamic Research and Studies*, No. 15, (2019). [In Persain]
- Mohseni, Farid & Mir Emad, Mohammad Hossein, “Basics and Exceptions of Privacy in Islam and Iranian Law from the Public Law Perspective”, *Evidence Legal Teachings Journal*, No. 9, (2018). [In Persain]
- Mousavi, Seyed Fazlollah, “Looking at the General Aspects of Labor Law Based on the Labor Law of the Islamic Republic of Iran”, *Faculty of*

Law and Political Science (Tehran University), No. 50, (1379). [In Persain]

- Novin, Parviz, “Definition and Scope of Public Law”, *Judgment Magazine*, No. 60, (2008). [In Persain]
- Pilvar, Rahim & Rajabi, Mariam, “Water Well Ownership Rights; The Field of Transformation from Private Law to Public Law”, *Daneshnameh al-Hawriy Publication*, No. 2, (2018). [In Persain]
- Rahbari, Ebrahim & Kazemi Ahoui, Najmeh, “Liquidation and Amendment of the Non-competition Agreement, An Applied Study in the Laws of Iran, America and the European Union Countries”, *Applied Law Studies*, No. 2, (2013). [In Persain]
- Sohrablo, Ali & Abbasi, Bijan, “The Internationalization of Contemporary Public Law; Manifestations and Examples”, *Journal of Legal Research*, No. 2, (2016). [In Persain]
- Tahaninejad Nobari, Seyed Elham, “Study on the Ownership of Oil Lands, the Conflict between Public Rights and Private Rights”, *Ganun Yar Magazine*, No. 6, (2017). [In Persain]
- Totunchian, Mehri & Khazaei, Ahmadreza, “Economic Rights of Citizenship and Its Conflict with Public Interests with an Emphasis on the Opinion of Imam Khomeini”, *Journal of Medical Law*, No. 46, (2017). [In Persain]
- Alon, Harel, “Introduction to Public and Private Law”, Oup Uncorrected Proof– First Proofs, Mon Jul, 14 (2014).
- Linden Allen, M., “Public Law and Private Law: The Frontier from the Perspective of a Tort Lawyer”, *Les Cahiers de droit*, 17 (4), (1976), 831–873. <https://doi.org/10.7202/042139ar>.
- Van den Berge, Lukas, “Rethinking the Public-Private Law Divide in the Age of Governmentality and Network Governance, A Comparative Analysis of French, English and Dutch Law”, *European Journal of Comparative Law and Governance*, 5, (2018).

- Vizheh, Mohammad Reza, "The New Concept of Sovereignty in Public Law", Political-Economic Information Journal, Nos. 231- 232, (2006). [In Persain]

استناد به این مقاله: حمزه‌لوئی، حسن، رنجبر، مقصود، دشتی، محمدتقی، (۱۴۰۲)، «آسیب‌شناسی توسعه قلمرو حقوق عمومی در ایران»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۴(۷۸)، ۱۱۹-۱۵۶.

doi: 10.22054/QJPL.2023.58972.2595



The Quarterly Journal of Public Law Research © 2008 by Allameh Tabataba'i University Press is licensed under CC BY-NC 4.0.